

زبان و ادبیات فارسی

فکری و روحی آن را گرفته‌ایم و از همین‌جا می‌توان به اهمیت رشته ادبیات فارسی پی برد؛ رشته‌ای که وظیفه‌اش، پرورش جوانانی است که ادبیات کشور ما را حفظ کرده و آن را هرچه بیشتر شکوهند کنند.

توانمندی‌ها و ویژگی‌های لازم

بعد از آموزش و پرورش، مطبوعات بهترین بستر برای فعالیت فارغ‌التحصیلان ادبیات فارسی است. هم‌چنین بهترین نیرو برای تنظیم و ارائه برنامه‌های ادبی رادیو و تلویزیون و حوزه‌های فرهنگی وزارت‌خانه‌های مختلف کشور، فارغ‌التحصیلان این رشته‌اند. یک کارشناس ادبیات اگر بویا و فعال باشد، می‌تواند یک نویسنده، شاعر یا منتقد موفق شود و در ارتقای فرهنگ و ادبیات کشور، نقشی بسزا داشته باشد.

البته گاهی اوقات فارغ‌التحصیلان این رشته برای یافتن شغل یا دشواری‌هایی روبرو می‌شوند که این مشکل از یک سو به جامعه برمی‌گردد؛ زیرا هنوز توانایی‌های فارغ‌التحصیلان این رشته در جامعه‌ی ما شناخته‌شده نیست و از سوی دیگر رشته ادبیات فارسی بسیار گسترده است و آن‌چه در پنج یا ده رشته باید آموخته شود، در یک رشته دانشگاهی به نام زبان و ادبیات فارسی جمع شده است و دانشجویان، مطالب بسیار متنوعی را در حد کسبی می‌آموزند و تخصص ویژه‌ای کسب نمی‌کنند و معلوماتشان کم‌تر جنبه‌ی کاربردی دارد و در نتیجه موقعیت‌های کاری آن‌ها نیز محدود می‌شود.

فرصت‌های شغلی

فارغ‌التحصیلان ادبیات فارسی می‌توانند در صدا و سیما، علاوه بر تهیه برنامه‌های ادبی، با کسب یک‌سری توانایی‌های مورد نیاز، گوینده خوبی شوند؛ هم‌چنین می‌توانند در مراکز چاپ و نشر کتاب به عنوان ویراستار و ناظر ادبی در سیر چاپ کتاب، حضور داشته باشند.

در ضمن تعدادی از فارغ‌التحصیلان نیز با توجه به ذوق و سلیقه‌ی خود، کارهای ویژه‌ای انجام می‌دهند که از آن جمله می‌توان به شرکت در تألیف فرهنگ‌های مختلف به عنوان پژوهشگر ادبی یا «فیش‌نویسی علمی» و «انتخابی» «دایره‌المعارف اشاره کرد. ضمناً رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی در ایران تا مقطع دکترا تدریس می‌شود.

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی بهترین بستر برای ورود به شناخت فرهنگ و عرفان و حتی معارف دینی ماست؛ زیرا سرفصل‌ها و درس‌هایی که در این رشته تدریس می‌شوند، هر کدام مسیری است که ما را به دشت‌های وسیع معرفت می‌رساند. امروزه دامنه ادبیات فارسی بسیار گسترده است، به گونه‌ای که امکان ایجاد ده گرایش برای آموزش ادبیات فارسی وجود دارد؛ یعنی دانشجو در مدت دو سال، درس‌های عمومی ادبیات را می‌خواند و در دو سال بعد، در یکی از گرایش‌های علوم بلاغی، ادبیات داستانی، عرفان و اساطیر، زبان‌شناسی و گرایش‌های دیگری که می‌تواند در این رشته پیش‌بینی کرد، مطالعه می‌کند. اما آن‌چه امروز در دانشگاه‌ها به عنوان ادبیات فارسی تدریس می‌شود، آشنایی کلی با مجموعه‌ای از متن‌های نظم و نثر فارسی است که برای رسیدن به این شناخت، برخی از درس‌های فنی مهم آموخته می‌شوند.

در رشته ادبیات فارسی دو شاخه‌ی اصلی زبان فارسی و ادبیات فارسی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در بخش زبان فارسی، مسائلی مربوط به زبان‌شناسی، دستور زبان، اصول نگارش و ویرایش بررسی می‌شوند. بخش ادبیات، خود دو بخش است؛ برخی از درس‌ها که به طور مستقیم به مطالعه‌ی متن‌ها می‌پردازد و قسمتی دیگر که در واقع علوم و فنونی هستند که روی متن‌های ادبی اعمال می‌شوند. این درس‌ها شامل سبک‌شناسی، نقد ادبی، انواع ادبی، تاریخ ادبیات، صنایع ادبی (بدیع، معانی و بیان، قافیه و عروض) هستند.

ادبیات فارسی بسیار جامع است زیرا در ادبیات، تمام تخیلات، اعمال، آرزوها، جهان‌بینی و باید و نبایدهایی که یک انسان با آن‌ها روبرو است، مطرح می‌شود. دانشجوی این رشته در دوره‌ی کارشناسی با میراث مکتوب این سرزمین در زمینه‌ی نظم و نثر آشنا می‌شود و به واسطه‌ی این آشنایی برای پاسداری از مرزهای علمی و زبان، توانمند می‌شود و می‌تواند به ویرایش موضوعی و علمی متن‌ها بپردازد.

کلمه‌ها، معجزه‌ی حیات بشریت‌اند و کار یک نویسنده یا شاعر، آن است که معجزه‌ی حیات بشر را به زیبایی به رشته‌ی تحریر درآورد. به بیان دیگر، زبان و ادبیات هر کشوری، هویت آن کشور است و اگر ادبیات و زبان را از کشوری بگیریم، استقلال